

Review Article

**Social Characteristics of the Mahdavi Society from the
Perspective of Ayatollah Safi Golpayegani**

Shamsollah Mariji¹

Mohsen Ghanbari Nik²

Received: 20/05/2023

Accepted: 08/07/2023



Abstract

Re-examination of the thought of religious scholars regarding the needs of the Islamic society can provide ideal models for individuals, social groups, and the authorities of the Islamic system to reach the sublime and virtuous Mahdavi society. Undoubtedly, those waiting for the Mahdavi government are always trying to provide the context for the reappearance of the savior of the world and the realization of all the characteristics of the Mahdavi society. Ayatollah Safi Golpayegani is one of the innovative and intellectual jurists, whose thoughts can help in attaining and knowing the mentioned characteristics, especially at the social level. The current article seeks to examine and explain the social characteristics of the Mahdavi society in his thought through a descriptive-analytical method and using his written works. The results show that in the view of Ayatollah Safi Golpayegani, the Mahdavi society, inspired by the revealed values, has the main characteristics of social justice, social security, and social solidarity. Social justice and other social characteristics are rooted in divine values and taste has nothing to do with it. Divine values do not

1. Full Professor, Department of Social Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (corresponding author). mariji@bou.ac.ir.

2. Assistant Professor, Department of Communication and Cultural Propagation, University of Islamic Sciences, Qom, Iran. ghanbarinik@maaref.ac.ir.

* Mariji, S., & Ghanbari Nik, M. (1401 AP). Social Characteristics of the Mahdavi Society from the Perspective of Ayatollah Safi Golpayegani. *Journal of Mahdavi Society*, 3(6), pp. 72-92.

depend on time and place, and there is no discrimination among people and their examples. Therefore, when these values rule the society, like a bubbling spring of life, it will bring justice, security, and comfort. The goal of the Mahdavi government is to establish divine values and the rule of revealed values, and the result of this goal is social justice and the like.

Keywords

Mahdavi society, social characteristics, Ayatollah Safi Golpayegani

مقاله علمی - ترویجی

ویژگی‌های اجتماعی جامعه مهدوی از دیدگاه

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه

شمس‌الله مریجی^۱ محسن قنبری‌نیک^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷



چکیده

بازخوانی اندیشه عالمان دین ناظر به نیازهای جامعه اسلامی می‌تواند الگوهای مطلوبی را فراروی افراد، گروه‌های اجتماعی و نیز متولیان نظام اسلامی برای رسیدن به جامعه متعالی و فاضله مهدوی قرار دهد. بی‌شک منتظران حکومت مهدوی همواره برای زمینه‌سازی ظهور منجی عالم و تحقق همه شاخصه‌های جامعه مهدوی تلاش می‌کنند. آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه از فقیهان نواندیش و متفکری است که اندیشه‌های وی می‌تواند در دست‌یابی و معرفت به شاخصه‌های مذکور به ویژه در سطح اجتماعی کمک شایانی کند. نوشتار حاضر درصدد است تا با شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از آثار مکتوب ایشان، ویژگی‌های اجتماعی جامعه مهدوی را در اندیشه وی بررسی و تبیین کند. نتایج نشان می‌دهد در منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی، جامعه مهدوی با الهام گرفتن از ارزش‌های وحیانی، دارای ویژگی‌های اصلی عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و همبستگی اجتماعی است. عدالت اجتماعی و دیگر ویژگی‌های اجتماعی ریشه در ارزش‌های الهی دارند و ذوق و سلیقه در آن دخالتی ندارد. ارزش‌های الهی، زمان‌مند و مکان‌مند نیستند و در میان افراد و مصادیق آن تبعیضی وجود ندارد. لذا

۱. استاد تمام گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم رحمته‌الله‌علیه، قم، ایران (نویسنده مسئول). mariji@bou.ac.ir

۲. استادیار گروه ارتباطات و تبلیغ فرهنگی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. ghanbarinik@maaref.ac.ir

* مریجی، شمس‌الله؛ قنبری‌نیک، محسن. (۱۴۰۱). ویژگی‌های اجتماعی جامعه مهدوی از دیدگاه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه. دوفصلنامه علمی-ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۶)، صص ۷۲-۹۲.

هرگاه این ارزش‌ها بر جامعه حاکم شوند، مانند چشمه جوشان حیات‌بخشی، عدالت، امنیت و آسایش را در پی خواهد داشت. هدف حکومت مهدوی نیز استقرار ارزش‌های الهی و حاکمیت ارزش‌های و حیانی است و آورده این هدف، عدالت اجتماعی و مانند آن است.

کلیدواژه‌ها

جامعه مهدوی، شاخصه‌های اجتماعی، آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه.

مقدمه

پرداختن به ویژگی‌های جامعه مهدوی، از مهم‌ترین مقولات پژوهش‌ها و گفتگوهای پیرامون مسئله مهدویت است. در عمده نظریه‌های متفکران اسلامی، هدف از حکومت مهدوی، استقرار عدالت در جهان معرفی شده است. اینکه عدالت یا ویژگی‌های ماندگار آن، هدف غایی حکومت مهدوی است یا برخی از ویژگی‌های آن است برای تحقق هدفی والاتر و نهایی همچون حاکمیت ارزش‌های الهی، از جمله مسائل و محل نظر عالمان دین و متفکران اجتماعی است.

عدالت و دیگر ارزش‌های اجتماعی در جامعه مهدوی با دیگر جوامع دارای تفاوت ماهوی است؛ به طوری که عدالت در جامعه مهدوی ویژگی آن شمرده می‌شود و هدف حکومت مهدوی، استقرار ارزش‌های الهی و حاکمیت ارزش‌های وحیانی است؛ چنانکه در قرآن به این امر تأکید شده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُعَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور، ۵۵)؛ خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که به یقین، خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، بر ایشان پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، [به گونه‌ای] که فقط مرا می‌پرستند و چیزی را همتای من قرار نخواهند داد. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها همان فاسقان‌اند». این نکته تفاوت ظاهری جامعه مهدوی با دیگر جوامع است و از لحاظ ماهوی نیز با هم تفاوت دارند که قابل قیاس با یکدیگر نمی‌باشند. بسیاری از جوامع با ادعای دموکراسی و یا هر نوع ساختار حکومتی، ادعای عدالت دارند، اما اجرای عدالت به معنای واقعی جز در حکومت مهدوی محقق نخواهد شد. عدالت واقعی زمانی محقق می‌شود که حاکمیتی بر مبنای ارزش‌های وحیانی و الهی شکل گرفته باشد.

مقاله حاضر درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی و تأمل در اندیشه‌های حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی^{رحمته‌الله}، دیدگاه ایشان را نسبت به ویژگی‌های اجتماعی جامعه مهدوی بررسی کند. به نظر می‌رسد از دیدگاه ایشان عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و همبستگی اجتماعی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه مهدوی است که البته تبیین این موضوع نیاز به مقدماتی دارد.

۱. فرهنگ و جامعه

بشر با رهاکردن زندگی فردی و انتخاب زندگی جمعی، تشکیل جامعه بشری را بر می‌گزیند که این گزینش او به طور طبیعی بر اساس فطرت می‌باشد؛ بدین معنا که انتخاب زندگی اجتماعی برای زیست انسان طبیعی است و طبع او زندگی فردی را بر نمی‌تابد و نیز بر اساس فطرت او شکل می‌گیرد؛ چراکه انسان دارای فطرتی اجتماعی است و همچنین بر حسب ضرورت و برای پاسخ به نیازهای متنوع و متعدد خود جامعه را تشکیل می‌دهد. اگرچه با تشکیل جامعه، با محدودیت‌ها و الزاماتی روبه‌رو می‌شود، اما زندگی اجتماعی آورده‌های بیشتری برای او به ارمغان می‌آورد. یکی از این آورده‌ها، امنیت است. امنیت یکی از مباحث مهم جامعه‌شناختی و دغدغه و نیاز اولیه زندگی بشری است. زمانی که امنیت در جامعه برقرار باشد، مسائل دیگری چون تغذیه، تولید نسل، تعلیم و... نیز اتفاق خواهد افتاد. از این‌رو این همبستگی میان آورده‌ها در تشکیل جامعه نیز چنین است و تشکیل جامعه نیز بدون روابط متقابل شکل نخواهد گرفت؛ از این‌رو انسان برای برآورده کردن نیازهای خود و به فعلیت رساندن قوه‌های انسانی، به انتخاب جامعه تن می‌دهد و این جامعه هم برای شکل‌گیری منوط بر روابط متقابل خواهد بود. روابط متقابل، ارتباط افراد جامعه با یکدیگر و تأثیرپذیری از هم برای دستیابی به آورده‌های اجتماعی می‌باشد. در این روابط متقابل ممکن است حُب به ذات افراد باعث شود تا به دیگران امر و نهی کنند و یا برای جلوگیری از پایمال کردن و غصب اموال دیگران، ظلم و تعدی به حقوق و موارد متعددی از تعدی و عدم رعایت اصول حاکم بر روابط متقابل سالم و نیز هدایت او به درستی و شایستگی، اوامر و نواهی

را انجام دهد؛ از این رو برای جلوگیری از این پدیده، ضابطه‌ای لازم است تا روابط را کنترل کند. این مبنا و ضابطه در علوم اجتماعی فرهنگ نامیده می‌شود. انسان‌ها برای رسیدن به اهداف مشترک خود در جامعه نیازمند به ارتباط ضابطه‌دار می‌باشند که این ضابطه، فرهنگ است. از فرهنگ معانی متفاوتی ارائه شده است. فرهنگ در یک تعریف همسان با این رویکرد عبارت است از «مجموعه اندوخته‌های معنوی، فکری، روحی، عقلی، اخلاقی و اجتماعی (مذهبی) یک قوم» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۴۰۵) و نیز «هم شامل جنبه‌های نامحسوس مانند عقاید، اندیشه‌ها و ارزش‌هایی که محتوای فرهنگ را می‌سازند و هم جنبه‌های محسوس و ملموس است؛ مانند اشیاء، نمادها یا فناوری که باز نمود محتوای یاد شده است» (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۳۵) و نیز فرهنگ یعنی «خلقیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت» (خانم‌های، ۱۳۹۳، ص ۸۵). بر این اساس فرهنگ، کلیت پیچیده و ترکیبی از رفتار آموخته‌شده و محصولات آن در یک متن اجتماعی است؛ لذا فرهنگ بخشی از متن اجتماعی محاط بر خود است (چاوشیان، ۱۳۷۷، ص ۵۰).

۱-۱. ریشه‌یابی ارزش‌ها

با توجه به مطالب گفته شده جامعه مبتنی بر روابط متقابل است؛ روابط متقابل مبتنی بر فرهنگ و فرهنگ، محصول مجموعه‌ای از نظام باورها، ارزش‌ها و دیگر جنبه‌های محسوس و نامحسوس حیات انسانی است. در نتیجه قوام فرهنگ به قوام ارزش‌ها و در صورت کلان‌تر، قوام جامعه به قوام ارزش‌هاست. ارزش‌ها، باورهای ریشه‌داری هستند که انسان‌ها در پاسخ به سؤال چه چیزی خوب و چه چیزی بد است، بدان مراجعه می‌کنند و به تعبیری چراغ هدایت رفتار می‌باشند. رفتارها نیز سلبی و ایجابی می‌باشند و رفتارهای سلبی در جامعه با نباید و رفتارهای ایجابی با بایدها مشخص می‌شوند. از این جهت ارزش‌ها و باورها چراغ راه انسان‌ها در شکل‌گیری جامعه و برای ارتباط با یکدیگر خواهند بود. لذا تنوع و تفاوت جوامع مختلف ریشه در تنوع ارزش‌های آن جوامع دارد.

۱-۱-۱. ارزش‌های غیردینی

ارزش‌ها نیز خود از دو ریشه دین و غیر دین نشئت می‌گیرد. ریشه غیردینی ارزش‌ها، ذوق، سلیقه، عواطف، احساسات و مجموعه باورهای دل‌خواهی است که در کتاب‌های علوم اجتماعی با عنوان ارزش‌های اجتماعی (social values) شناخته می‌شوند که بیشتر در این کتاب‌ها واژه «social» حذف شده و تنها واژه «values» آمده است. در دانش جامعه‌شناسی ارزش به معنای خوب یا بد، شایسته و مطلوب و ناشایست و نامطلوب در نزد یک فرد یا گروه تعریف شده است (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۱۶۲). ظاهر این ارزش‌های اجتماعی، باید و نبایدهای مردم‌پسندی است که مقبولیت عامه دارد. این پسندیدگی و مقبولیت ریشه در ذوق و سلیقه دارد. البته این نوع پسندیدن می‌تواند مطابق دین نیز باشد و جمع آنها با یکدیگر مانعی ندارد. ارزش‌های دینی، آن دسته از ارزش‌هایی هستند که با معنای تام هستی و والاترین هدف‌های انسان ارتباط دارند و با ایمان به روابط بین انسان و خدا شکل می‌گیرند (بیرو، ۱۳۷۰، ص ۴۴۵).

۱-۱-۲. ارزش‌های دینی

در نوع دوم، ریشه دینی ارزش‌ها از عقل و نقل (حدیث) نشئت می‌گیرد. البته عقل و نقل در تقابل با یکدیگر نیستند، بلکه در کنار یکدیگر به عنوان ابزاری برای کشف دین محسوب می‌شوند. دین مجموعه دستورالعمل‌هایی است که خداوند برای هدایت انسان‌ها قرار داده است که از راه عقل و نقل به آنها می‌رسد. عقل نزد حکمای مسلمان به دو دسته عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود؛ بدین معنا که اگر نیروهای انسان را که در سعادت او مؤثر است به دو بخش علم و عمل تقسیم کنیم، علم و ادراکات او عقل نظری نامیده می‌شود و عمل جوانحی او که بر اساس این علم صورت می‌گیرد، عقل عملی نامیده می‌شود. همان‌گونه که در قضایای حکمت نظری از اصول بدیهی و اولی محدود و محصور استفاده می‌شود و دایره علوم توسعه پیدا می‌کند، در مسائل حکمت عملی نیز از چند قضیه محدود و محصور می‌توان مسائل فراوانی را استنباط و استخراج کرد و با سرمایه محدود به تجارت علوم فراوانی راه یافت (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵). نقل

(حدیث) نیز به سه دسته قول، فعل و تقریر معصوم تقسیم می‌شود. ارزش‌ها بسته به ریشه‌دار بودن آنها با هم متفاوت‌اند. اگر منشأ ارزش عقل باشد، ارزش عقلانی می‌شود؛ چراکه عقل، حجت‌الله معصوم^۱ است؛ و چنانچه ریشه در نقل داشته باشد، ارزش نقلی که باید و نبایدهای آن از قول و فعل و تقریر پیامبر ﷺ اخذ می‌شود؛ از این‌رو ارزش‌های عقلی و نقلی ارزش‌های دینی محسوب می‌شوند.

۲-۱. تفاوت ارزش‌های دینی و غیردینی

ارزش‌های دینی منبعث از مبانی الهی و متوجه همه افراد انسانی است؛ به عبارتی همه انسان‌ها با پیروی از فرامین الهی می‌توانند در کسب ارزش‌های الهی سهیم باشند؛ برخلاف ارزش‌های غیردینی که ممکن است برخی از افراد جامعه انسانی به دلایل متعدد از آن بی‌بهره باشند و مسیری برای کسب آنها فراروی همه افراد تعریف نشده است.

در اندیشه حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی^۲ عدالت اجتماعی به‌عنوان یک موهبت در جامعه مهدوی، ریشه در ارزش‌های الهی دارد و ذوق و سلیقه در آن دخالتی ندارد و لذا همه افراد جامعه مهدوی از این‌گونه ارزش‌ها بهره‌مند خواهند شد و از همین روست که «وقتی منادی آسمانی مردم را به حکومت جهانی مهدی^۳ بخواند، جمعیت‌های محروم و گروه‌های مستضعف در همه جهان از آن استقبال نمایند و حکومت الهی را به جای تمام این حکومت‌های گوناگون از جان‌ودل بپذیرند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۶۶). در حالی که عدالتی که از سر ذوق و سلیقه شخصی باشد، گروه‌ها و افراد را بر آن می‌دارد تا طبق سلیقه خود عدالت را اجرا کنند و این ذوق و سلیقه آنها مبتنی بر رأی اکثریت و مقبولیت عامه می‌باشد.

۱. چنانکه در حدیث معروف امام کاظم^۴ می‌خوانیم که فرمود: «ان الله على الناس حجتين حجة ظاهرة و حجة باطنة فانما الظاهر فالرسل و الانبياء و الائمة^۵ و اما الباطنة فالعقول؛ برای خداوند دو حجت بر مردم است، حجتی آشکار و حجتی پنهان. اما حجت آشکار، پیامبران و رسولان و ائمه^۶ هستند و اما حجت باطن، عقل‌ها و خرده‌ها می‌باشد» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶).

بسیاری از گروه‌ها و حکومت‌ها وجود دارند که با طرح عناوینی چون رفراوندوم و... ذوق و سلیقه خود را مبتنی بر مقبولیت عامه می‌دانند و اگر مردم حاکمیت دین را انتخاب کنند، این انتخاب آنها ریشه در عقل و نقل ندارد؛ بلکه به واسطه مقبولیت و گزینش مردم است. در ارزش‌هایی که تابع ذوق و سلیقه باشد، عدالت و امنیت مختص اکثریت است و اقلیت در بی‌عدالتی و ناامنی و ازهم گسیختگی به سر می‌برند.

۳-۱. محدودیت ارزش‌های عقلانی

با توجه به آنچه بیان شد ارزش‌های دینی ریشه در عقل و نقل دارند، اما ارزش‌های عقلی با محدودیت مواجه می‌باشند؛ چراکه عقل محدود به این عالم است و عوالم دیگر را نمی‌داند و دیگر آنکه انسان‌ها در امور خود کمتر از عنصر عقل بهره می‌گیرند. اگر انسان‌ها از عقل استفاده کنند، کمتر دچار تنش و دعوا می‌شوند و این دعوها و ناهنجاری‌ها ریشه در ذوق و سلیقه شخصی افراد دارد. استفاده از عقل مانند آب چاه می‌ماند. از دیگر مصادیق آن مراسم اربعین است که هزاران انسان که همدیگر را نمی‌شناسند، با هم رفیق بوده و با وجود ناامنی‌ها، احساس آرامش و امنیت می‌کنند و از امکانات هم استفاده می‌کنند. در این سفر چون ارزش‌های الهی حکم فرماست، مردم منسجم و با هم رفیق می‌باشند و احساس امنیت می‌کنند. این نکته تعبیر آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله است که منسجم و رفیق‌شدن مردم در جامعه‌ای که ارزش‌های الهی حکم فرماست باعث می‌شود که اگر انسان‌ها دست در جیب یکدیگر کنند بازخواست نشوند؛ از این رو هدف جامعه مهدوی حاکمیت ارزش‌های الهی و وحیانی و اجرای آن است و زمانی که این ارزش‌ها حاکم شود، ویژگی‌هایی چون عدالت، امنیت و همبستگی واقعی آورده آن می‌باشند.

و یا در اوایل انقلاب با وجود مسائلی چون جنگ و اغتشاشات گروهک‌ها و کشته‌شدن افراد، مردم از امنیت و آرامش خاطری بیشتری برخوردار بودند؛ چون ارزش‌های الهی حکم‌رما بر جامعه، این امنیت را برای آنها به ارمغان آورده بود؛ اما

هرچه از انقلاب گذشت، با کم‌رنگ شدن این ارزش‌ها خودپرستی و اختلاف‌ها بیشتر شد و امنیت در معرض خطر قرار گرفت. این احساس خطر و ناامنی در جریان اغتشاشات اخیر مشهود است؛ چون ارزش‌های معنوی و الهی رنگ باخته و جای خود را به ارزش‌های نفسانی داده است.

۲. جامعه‌مهدوی؛ نظام امامت

امام رهبر سیاسی و فکری و خلیفه خدا و حاکم و ولی امر است؛ یعنی همه این مقامات از شئون اوست (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۰۰؛ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۷۷۵). او از جانب خدا ولی امر و حاکم و خلیفه است و اولویت به اموال و نفوس مردم دارد و بر اداره امور و کارها و احقاق حقوق و دفع و رفع ظلم و اجرای احکام و سیاست و برقرار کردن عدالت در بین مردم و حفظ نظام و تأمین امنیت و آسایش خلق و عمران زمین و فراهم ساختن وسایل ترقی و تعالی برای همگان ولایت دارد. امر امر او و فرمان فرمان اوست (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ الف، ص ۲۲).

امروزه با این تحولات بزرگی که پس از گذشت چهارده قرن از ظهور اسلام در دنیا واقع شده و مکتب‌های سیاسی و اجتماعی گوناگونی که عرضه شده، نواقص و معایب این نظام‌ها بیشتر ظاهر شده و معلوم شده است که این‌ها دردهای واقعی بشر را درمان نخواهند کرد و یگانه وسیله رفع این ناآرامی‌ها و دلهره‌ها و تبعیضات، رفتن به پناه نظام الهی است؛ بنابراین حاجت به این نظام هر روز محسوس‌تر می‌شود و ناکامی‌ها و بی‌عدالتی‌ها با این نظام در حدی که ممکن است پایان می‌پذیرد.

به یقین بشر پس از اینکه از این نظام‌ها مأیوس شده و همه را آزمایش کرد، به سوی نظام امامت روی خواهد آورد؛ نظامی که نمونه آن، حکومت متواضع علی علیه السلام، روش علی علیه السلام، زندگی حق‌پرستانه علی علیه السلام، عدالت و تقوای علی علیه السلام، سربازی علی علیه السلام، صراحت لهجه و شجاعت علی علیه السلام، کار و کوشش علی علیه السلام، پایداری و فداکاری علی علیه السلام است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ الف، ص ۳۲).

۱-۲. ویژگی‌های جامعه مهدوی

در منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه جامعه مهدوی با سرچشمه گرفتن از ارزش‌های وحیانی و الهی، عدالت و امنیت و همبستگی واقعی را به‌عنوان آورده خود به ارمغان می‌آورد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۹۹)؛ ویژگی‌هایی که در هیچ‌یک از جوامع دیگر بدین صورت یافت نمی‌شود. در جامعه مهدوی چنان عدالت و امنیت و همبستگی برقرار است که اگر کسی دست در جیب دیگری کند، بازخواست نمی‌شود و همه با هم برابر و برادر هستند و منفعت‌طلبی وجود ندارد.

امروزه در جامعه اسلامی ما کسی حق دخالت در کار دیگری ندارد و امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان اصل اساسی اسلام به خوبی جا نیفتاده است و جامعه در این زمینه دچار مشکل است و این به دلیل آن است که ارزش‌های الهی به صورت واقعی در جامعه اتفاق نیفتاده است. در جامعه‌ای که همبستگی وجود نداشته باشد، افراد با هم غریبه‌اند و اجازه دخالت در کار خود را به دیگری نخواهند داد. این در حالی است که در جامعه کوچک‌تری چون خانواده، به جهت آنکه افراد با هم خودی بوده و همبسته هستند، باید و نباید در کار افراد نه تنها دخالت محسوب نمی‌شود، بلکه در قالب نصیحت شکل می‌گیرد؛ از این رو ارزش‌های دینی انسجام‌بخش می‌باشند و ارزش‌های ذوقی و سلیقه‌ای نه تنها باعث انسجام نخواهد شد، بلکه باعث تشتت و درگیری هم خواهد شد؛ بنابراین از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه عدالت، امنیت و همبستگی واقعی به‌عنوان ویژگی‌های اصلی جامعه مهدوی محسوب می‌شود؛ چراکه این ویژگی‌ها آورده ارزش‌های الهی و وحیانی حاکم بر این جامعه می‌باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۴۳۶).

۱-۱-۲. عدالت

انسان‌ها تشنه عدالت‌اند و خواهان آرمان و جهان‌بینی و مکتبی که این تشنگی را فرو بنشانند و آتش بیدادگری را خاموش کند و عدالت را - در عینیت و عمل - در جامعه حاکم سازد و گمشده بشریت را برای انسان‌ها به ارمغان آورد. بر اصل عدل آسمان‌ها و زمین بر پا شده است. عدالت زمینه حیات اجتماعی، تنها در بخش ویژه‌ای از جامعه

نیست؛ بلکه در همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی، عامل اصلی حیات و زندگی انسانی اصل عدالت و عدل است (حکیمی، ۱۳۷۴، صص ۲۳-۳۳).

برنامه تشکیل امت نوین جهانی که باید منتهی به گسترش عدالت و حاکمیت توحید شود، از متن تعالیم اسلام استفاده می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۹۹) و جامعه مهدوی از چنین اصل مهمی برخوردار می‌شود. ناگهان وعده الهی محقق می‌شود و مهدی موعود علیه السلام که علائم و نشانی‌ها و خصوصیاتش در صدها حدیث بیان شده است ظهور می‌فرماید و عالم را پر از عدل و داد می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۶۷).

معتقد به این ظهور و عدالت اجتماعی اسلامی اگر مسئول و متصدی کاری باشد، خود را خدمتگزار مردم و برای مردم می‌داند و اگر از افراد عادی است، با مسئولان امور، سلوک خود را عادی و منزله از تملق و فروتنی‌های بی‌مورد می‌سازد و از آنان توقع تبعیض و مسامحه در انجام وظیفه نمی‌کند، بلکه در برقراری عدالت اجتماعی با آنان همکاری می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ص ۶۳).

۲-۱-۱. بُعد اجتماعی قسط و عدل

آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید: «به موجب این بُعد که همان عدل اجتماعی است، نخست قوانین صحیح روابط افراد را با یکدیگر و روابط آنها را با حکومت، بر اساس عدل و حق و منزه از استکبار و استضعاف مقرر می‌دارد و به تمام افراد حق نظارت بر اجرای قوانین داده می‌شود که طبق آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ مردان و زنان مؤمن همه یار و یاور یکدیگرند، مردم را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند» (توبه، ۷۱)، امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ بلکه مسئول و متعهد باشند که این نظارت را انجام دهند؛ به علاوه با یکدیگر در روی کار آمدن و روی کار بودن نظام صالح همکاری داشته باشند».

دوم اینکه افراد به پیروی از قانون و ندای ایمان و وجدان مکلف هستند که تمام مقررات عدل و قسط را در رشته‌های مختلف نسبت به خود و دیگران رعایت کنند تا

جامعه و افراد از جانب هر فردی امنیت داشته باشند و حسن ظن و حمل بر صحت در هر مورد، خیال هر کس را راحت سازد و خیانت و غش و تقلب در جامعه مطرود و معدوم یا بسیار نادر و کم‌زمینه شود.

سوم اینکه حکومت هم باید در این امور مشارکت کند و برنامه‌هایی اجرا کند و وضع سلوک و استقبالش را از مردم متواضعانه و به نحوی قرار دهد که مردم در نظارت بر امور تشویق و تقدیر شوند. چنانکه باید تعلیم و تربیت و ارشاد نیز در اینجا با نقش مهم و سازنده، افراد را رشید و زنده و آگاه بسازد که خود را مسئول و متعهد حسن جریان امور بشناسند و از جنایت و تجاوز به حق و سهم دیگری پرهیز کنند.

علاوه بر این ابعاد، ابعاد دیگری نیز هست؛ مثل عدل در تعلیم و تربیت که علم و دانش و آموزش و پرورش برای همگان باشد، نه فقط قانون، انحصاری بودن آن را لغو کرده باشد؛ بلکه در عمل نیز به نحوی باشد که افراد مستعد بتوانند ترقی علمی داشته و تا آنجا که امکان دارد، برابر امثال و هم‌قطاران خود جلو بروند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ب، صص ۸۸-۸۹).

شیعه که معتقد به این نظام و آن ظهور کلی است، باید اجتماعش نمونه و معرّف مساوات اسلامی باشد و نظامی را که رهبری آن با حضرت بقیةالله علیه السلام است، به مساوات و عدالت و فضیلتش به دنیا نشان دهد؛ زیرا دین یک وظیفه، تعهد و مسئولیت بزرگ است و اعتقاد به ظهور مساوات اسلامی و ظهور صاحب الزمان علیه السلام بدون انجام عملی آن و بدون مساوات‌خواهی عملی، وفای به این تعهد و عمل به این وظیفه و توجه به این مسئولیت نمی‌باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ب، ص ۴۹).

۲-۱-۱-۲. رابطه عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام با عدالت اجتماعی و زمامداری

از منظر ایشان «عدالت از تعالیم و اصول مهم و اهداف عمده دعوت اسلام است که آیات قرآن مجید و احادیث شریفه با کمال تأکید و صراحت، همه را به آن مأمور و متعهد اجرای آن ساخته است؛ از جمله در سوره مائده می‌فرماید: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى مائده، ۸»؛ عدالت ورزید که عدل به تقوا نزدیک‌تر است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ب، ص ۵۰).

این عدالت هدف اسلام، هدف قرآن، هدف مکتب حضرت محمد ﷺ و حضرت علی ﷺ و هدف ظهور خاتم الاوصیاء حضرت مهدی ﷺ است.
 رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ عدالت را در فرصتی کوتاه و در یک بُعد زمانی و مکانی محدود به مردم نشان دادند و چهرهٔ مطلق و جامع و کاملش به وسیلهٔ حضرت مهدی ﷺ آشکار می‌شود و از بارزترین و روشن‌ترین صفات و علائم مهدی موعود ﷺ است که در بیش از صد حدیث، آن رهبر دادگستر به این صفت (عدالت‌گستری) توصیف و معرفی شده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۶۰).

۲-۱-۳. نظام حکومت حضرت مهدی ﷺ

آیت‌الله صافی گلپایگانی ﷺ نسبت به نوع نظام حکومت مهدوی می‌فرمایند: «برنامهٔ زمامداری حضرت مهدی ﷺ و روابط کارمندان و متصدیان امور بر اساس حق و عدالت اجتماعی و بدون هیچ‌گونه استکبار جریان خواهد یافت؛ چنانکه در نهج البلاغه است: «فَیْرِیْکُمْ کَیْفَ عَدْلُ السَّیْرَةِ وَیُحِیْی مِیْتَ الْکِتَابِ وَالسُّنَّةِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۱، ص ۵۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۱۳۰؛ قندوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۰۷؛ قندوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۷۱؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۷)؛ سیره و روش دادگرانه را برای شما نشان خواهد داد و آنچه را که از کتاب و سنت مرده باشد، زنده خواهد کرد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۶۱).

در حدیثی آمده است: «إِذَا حَکَّمُوا عَدَلُوا وَإِذَا قَسَّمُوا قَسَطُوا (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۸۳)؛ وقتی حکم برانند عدالت کنند و زمانی که قسمت کنند به عدالت قسمت کنند و به عدل و انصاف نصیب و حصه بدهند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۷۸).

علاوه بر اینکه روش ائمه اهل بیت ﷺ برنامهٔ امامت و جهت آن را تعیین کرد، هر مسلمان را نیز مکلف کرد تا به هر نظامی که در خلاف این جهت است معترض باشد و الغای آن را خواستار شود. در احادیث متواتری که اهل بیت ﷺ حکومت حق و عدل را به زمامداری حضرت مهدی ﷺ نوید داده‌اند، با تکیه به این امتیاز که «زمین را پر از عدل و قسط می‌کند»، به صراحت دخالت عدالت در نظام امامت و مأموریت بزرگ و

جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را برای استقرار عدل جهانی اعلام فرموده‌اند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ب، ص ۱۲۹).

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «در حکومت او هرگونه جور و ستم برجیده و زمین از ستمگران پاکیزه و با عدالت فرمانروایی کند و در حکومت او هیچ کس تعدی به حقوق دیگری نکند» (مفید، ۱۳۸۵، ص ۳۸۴). امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه «إِعلمو أن الله یحیی الارضَ بعد موتها» می‌فرمایند: خداوند زمین را با مردانی زنده می‌کند که یاوران مهدی در اجرای عدالت هستند (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۸۱).

۲-۱-۴. عدالت رهاورد حکومت برای اجرای ارزش‌های الهی

با توجه به روایات مربوط به عدالت، در هیچ‌جا به هدف بودن آن اشاره نشده است، بلکه عدالت رهاورد حاکمیت حکومت مهدوی است. با توجه به همین روایات هدف اصلی حکومت، استقرار ارزش‌های وحیانی است. حکومت ابزاری برای اجرای ارزش‌های الهی است و اجرای این ارزش‌ها بدون حکومت امکان‌پذیر نمی‌باشد. با ایجاد حکومت، ارزش‌ها نیز ایجاد می‌شود و رهاورد این ارزش‌ها، عدالت واقعی است. بسیاری از جوامع ادعای تحقق عدالت را دارند، اما به کدام‌یک از آنها می‌توان اطمینان کرد؟ درحالی‌که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌توان اطمینان داشت؛ چراکه ایشان برای پیاده کردن ارزش‌های الهی آمده‌اند و از طرف خداوند منصوب شده‌اند و زمانی که ارزش‌های الهی بر جامعه ایشان حاکم شود، رهاورد آن عدالت، امنیت، همبستگی و رفاقت واقعی است. ریشه این رهاوردها در ارزش‌های وحیانی است: «یا ایها الناس أنتم الفقراء إلى الله و الله هو الغنی الحمید» (فاطر، ۱۵). ارزش‌های وحیانی به سان نور می‌مانند که انسان می‌تواند کجی‌ها و ناراستی‌ها را تشخیص دهد.

این حاکمیت ارزش‌های وحیانی در جنگ و دفاع مقدس ایران مشهود بود. در آنجا برادری و برابری حاکم بود و از خودگذشتن ریشه در این ارزش‌ها داشت. اگر چه روایاتی مانند سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که «مَهْدِيُّ أُمَّتِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا (بن‌فیس، ۱۳۷۵، ص ۴۲۹)؛ مهدی امت من کسی است که هنگام پرشدن زمین از

بیداد و ظلم، آن را پر از قسط و عدل خواهد کرد»، به عدالت می‌پردازد، اما پر کردن زمین از عدالت، به واسطه ارزش‌های و حیانی است که توسط حکومت انجام می‌شود. در جامعه‌شناسی نیز تدوین ارزش‌ها، اجرا، ترویج و تفسیر آنها از طریق حاکمیت شدنی است. یکی از ادله اثبات نیاز به حکومت اسلامی، حاکم کردن ارزش‌های و حیانی و اجرای احکام الهی است؛ از این رو هدف اولیه امام زمان علیه السلام تشکیل حکومت است و هدف از حکومت، اجرای ارزش‌های الهی است که به دنبال آن، امنیت و عدالت آورده شود؛ از این رو این بحث نه تنها از ظاهر روایات دست‌نخسته است، بلکه آن را به‌طور اساسی ریشه‌یابی و چگونگی آن را بیان کرده است.

۲-۱-۵. تفاوت عدالت جامعه‌مهدوی و دیگر جوامع

تفاوت عدل جامعه‌مهدوی با جوامع دیگر آن است که عدالت مهدوی ریشه در ارزش‌های و حیانی دارد و عدالت در جوامع دیگر، ریشه در ذوق و سلیقه و ارزش‌های خودساخته بشری و مقبولیت عامه است.

۲-۲. همبستگی اجتماعی

همبستگی اجتماعی همان ایجاد وحدت مورد انتظار برای جامعه‌مسلمین است که در صورت تحقق، پیروزی نهایی اسلام و شکست جبهه کفر اتفاق خواهد افتاد. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت مهدوی، همان وحدت و همبستگی است که میان جامعه اسلامی رخ خواهد داد و زمینه‌ساز رهایی مسلمانان از ظلم و ستم کفار و غلبه آنها و در نهایت گسترده‌گی ارزش‌های الهی در زمین خواهد شد. «عقیده انتظار در معنای عامش که فراگیر تمام مسلمین است و در معنای خاصش که شیعه به آن معتقد است، این حالات و خودباختگی‌ها را نفی می‌کند و مسلمانان را به بازگشت به اسلام و تمسک به وحدت اسلامی و ریشه‌کن کردن نفوذ بیگانه و تفرز از کفر و الحاد دعوت می‌کند. مسلمان اگرچه به‌ظاهر خلع سلاح شده و قوای مادی خود را نسبت به دشمن ضعیف‌تر ببیند، هرگز احساس حقارت

نمی‌کند و میدان جهاد و تلاش را ترک نمی‌کند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۲۷).
 نوع همبستگی اجتماعی در حکومت و جامعه مهدوی با همه انواع وحدت و همبستگی‌های موجود متفاوت بوده؛ چراکه در این حکومت اعضای جامعه به مثابه اعضای یک جسم، یک رابطه استوار و غیر قابل گسستی را شکل می‌دهند؛ «عصر مهدوی یعنی نفی تمام ضعف‌ها و فسادها، یعنی انتظار چنان جامعه واحد جهانی و مدینه فاضله حقیقی که همه ارکان و اعضا و نهادهایش همان گونه که طرح آن از طرف شخص رسول اعظم ﷺ داده شده، مانند اعضای بدن انسان واحد انجام وظیفه می‌نماید» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۴۶۴).

۲-۳. امنیت اجتماعی

مهم‌ترین نیاز امروزی برای جوامع انسانی امنیت است. در امنیتی که مدنظر قرآن است، حقوق تمام موجودات شمرده شده و بسیار دقیق و جامع است. امنیتی که در جامعه مهدوی مدنظر است، با معیار قرآنی برقرار می‌شود. عدالت گسترده‌ای که روایات در جامعه مهدوی به آن تأکید دارند، برگرفته از امنیت فراگیر و وسیع است. در جامعه مهدوی برچیده شدن یکسره ظلم یک وصف حقیقی است که در سایه امنیت حاصل از برکت وجودی آن حضرت محقق خواهد شد. بر اساس روایات رعب و وحشت در سایه عدل و قسط آن دادگستر بزرگ محو و نابود خواهد شد (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷، ص ۴۷۸). در این جامعه و در سایه این حکومت «زمین پر از عدل و قسط گردد و همه جا امنیت و آرامش و اطمینان حاکم گردد و میلیاردها بشر در همه جا تحت حکومت واحد و قانون واحد قرار بگیرند و برکات زمین و آسمان ظاهر گردد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۴۶۴).

نتیجه‌گیری

حکومت‌ها بر حسب نوع مبانی اندیشه‌ای خود، یک سری نظامات اجتماعی را وضع کرده و نیز دارای ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متفاوت از یکدیگر هستند.

حکومت مهدوی که وعده تحقق آن در اندیشه شیعی داده شده است، مبتنی بر مبانی الهی شکل خواهد گرفت که هدف غایی آن حاکم شدن ارزش‌های الهی است؛ ارزش‌های الهی‌ای که از ذات اقدس خداوندی نشئت می‌گیرند و تکوین و تشریح آنها بر اساس نیاز و توان بشر وضع و ارسال شده است؛ از این رو در این جامعه یک نوع توازن و همبستگی واقعی بین اجزای آن وجود دارد. ارزش‌های الهی مطلق و فراگیر بوده و در همه زمان‌ها و مکان‌ها برای همه افراد یکسان است و باعث ثبات جامعه خواهد شد و بالعکس بی‌ثباتی خاص جوامعی است که این ارزش‌ها جای خود را به ذوق و سلیقه اشخاص داده است.

حکومت مهدوی در سایه این مبانی الهی جامعه‌ای را سامان می‌دهد که دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد و متمایزی از دیگر جوامع است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از عدالت، امنیت و همبستگی اجتماعی واقعی که تنها در جامعه مهدوی اتفاق می‌افتد و از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه این ویژگی‌ها ریشه در ارزش‌های الهی دارد و حضرت با حاکمیت این ارزش‌ها، این ویژگی‌ها را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. به هر اندازه که این ارزش‌ها بر جامعه حاکم شود، به همان اندازه این ویژگی‌ها محقق خواهد شد.

کتابنامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. بن قیس، سلیم. (۱۳۷۵). اسرار آل محمد (محقق: اسماعیل انصاری زنجانی). قم: نشر الهادی.
۲. بیرو، آلن. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی (مترجم: باقر ساروخانی). تهران: مؤسسه کیهان.
۳. جوادی آملی. عبدالله. (۱۳۸۱). دین شناسی. قم: نشر اسراء.
۴. چاوشیان، حسن. (۱۳۷۷). بحثی در کاربرد نظریه های فرهنگ. فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۱۴-۱۵.
۵. حکیمی، محمدرضا. (۱۳۷۴). عصر زندگی و چگونگی آینده انسان. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۹۳). فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری. تهران: انتشارات نشر شهر.
۷. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۹۲ الف). نظام امامت و رهبری. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.
۸. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۹۲ ب). عقیده نجات بخش پیرامون عقیده به ظهور و حکومت حضرت مهدی. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.
۹. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۷۷). منتخب الأثر. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۹۳ الف). سلسله مباحث امامت و مهدویت. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.
۱۱. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۹۳ ب). گفتمان مهدویت. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.
۱۲. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۹۳ ج). وابستگی جهان به امام زمان عجل الله فرجه. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه.

۱۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۵). ولایت و مهدویت علیه السلام (ج ۴). قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی علیه السلام.
۱۴. صدوق، محمدبن علی بن بابویه. (۱۳۷۶). الامالی (مترجم: محمدباقر کمره‌ای). تهران: نشر کتابچی.
۱۵. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق). المعجم الاوسط (ج ۳). قاهره: دار الحرمین للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۶. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). ینابیع المودة (ج ۱ و ۳). قم: منظمة الاوقاف و الشؤون الخيرية، دار الأسوة للطباعة و النشر.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۵). الکافی (مترجم: صادق حسن‌زاده، ج ۱). تهران: نشر قائم آل محمد علیه السلام.
۱۸. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی (مترجم: حسین چاوشیان). تهران: نشر نی.
۱۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (ج ۳۱، ۵۱). بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). یادداشت‌های استاد مطهری (ج ۶). تهران: نشر صدرا.
۲۱. مفید، محمد بن نعمان. (۱۳۸۵). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (مترجم: امیرخان بلوکی). نشر: تهذیب.
۲۲. موسوی اصفهانی، سیدمحمدتقی. (۱۳۸۲). مکیال المکارم (ج ۱). قم: نشر مسجد مقدس جمکران.

References

* The Holy Qur'an

* Nahj al-Balagha

1. Ben Qais, S. (1375 AP). *Ale-Mohammed Secrets* (E. Ansari Zanjani, Ed.). Qom: Al-Hadi Publications. [In Persian]
2. Biro, A. (1370 AP). *Dictionary of Social Sciences* (B. Saroukhani, Trans.). Tehran: Keihan Institute. [In Persian]
3. Chavoshian, H. (1377 AP). A discussion on the application of culture theories. *Journal of General Culture*, 14-15. [In Persian]
4. Giddens, A. (1386 AP). *Sociology* (H. Chavoshian, Trans.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
5. Hakimi, M. R. (1374 AP). *The age of life and the future of man*. Qom: Islamic Propagation Office. [In Persian]
6. Javadi Amoli. A. (1381 AP). *Theology*. Qom: Esra Publications. [In Persian]
7. Khamenei, S. A. (1393 AP). *Culture in the view of Supreme Leader*. Tehran: Nashr Shahr Publications. [In Persian]
8. Koleyni, M. (1385 AP). *Al-Kafi* (S. Hassanzadeh, Trans., Vol. 1). Tehran: Qaim Ale-Mohammed Publications. [In Persian]
9. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (Vols. 31 & 51). Beirut: Dar al-Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
10. Mofid, M. (1385 AP). *Al-Irshad fi Marafah Hajjullah Ala Al-Ibad* (A. Bolouki, Trans.). Tahzib Publications. [In Persian]
11. Motahari, M. (1385 AP). *Professor Motahari's notes* (Vol. 6). Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
12. Mousavi Esfahani, S. M. T. (1382 AP). *Makyal Al Makaram* (Vol. 1). Qom: Jamkaran Holy Mosque Publications. [In Persian]
13. Qondouzi, S. (1422 AH). *Yanabi Al-Mawada* (Vols. 1 & 3). Qom: Manzama al-Awqaf va al-Sho'oun al-Khayriya, Dar al-Uswah le al-Taba'ah va al-Nashr. [In Arabic]
14. Sadouq, M. (1376 AP). *Al-Amali* (M. B. Kamreai, Trans.). Tehran: Ketabachi Publications. [In Persian]

15. Safi Golpayegani, L. (1377 AP). *A series of discussions on Imamate and Mahdiism*. Qom: The Office for Publications and Preparation of Ayatollah Safi Golpayegani's Works. [In Persian]
16. Safi Golpayegani, L. (1377 AP). *Muntakhab al-Athar*. Qom: The Office for Publications and Preparation of Ayatollah Safi Golpayegani's Works. [In Persian]
17. Safi Golpayegani, L. (1392 AP). *Imamate and leadership system*. Qom: The Office for Publications and Preparation of Ayatollah Safi Golpayegani's Works. [In Persian]
18. Safi Golpayegani, L. (1392 AP). *The saving belief about the belief in the reappearance and government of Hazrat Mahdi*. Qom: The Office for Publications and Preparation of Ayatollah Safi Golpayegani's Works. [In Persian]
19. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *The discourse of Mahdiism*. Qom: The Office for Publications and Preparation of Ayatollah Safi Golpayegani's Works. [In Persian]
20. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *The world dependency on Imam Zaman*. Qom: The Office for Publications and Preparation of Ayatollah Safi Golpayegani's Works.
21. Safi Golpayegani, L. (1395 AP). *Wilayat and Mahdiism* (Vol. 4). Qom: The Office for Publications and Preparation of Ayatollah Safi Golpayegani's Works. [In Persian]
22. Tabarani, S. (1415 AH). *Al-Mu'jam Al-Awsat* (Vol. 3). Cairo: Dar al-Haramain le al-Taba'ah va al-Nashr va al-Tawzi'. [In Arabic]